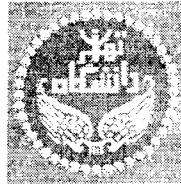


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی انگلیس در ج.ا.ا.

تاسیس شده در سال ۱۳۰۲  
تاسیس مجدد در سال ۱۳۰۴

نگارش

سید احمد متولی

۱۳۸۹/۹/۱۴

استاد راهنما: دکتر قاسم افتخاری

رساله برای دریافت درجه دکتری تخصصی

روابط بین الملل

بهمن ۱۳۸۸

- ۱ -

۱۴۷۳۶۱



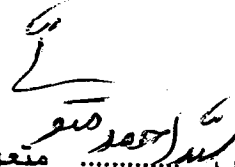
جمهوری اسلامی ایران  
دانشگاه تهران

شماره \_\_\_\_\_  
تاریخ: ۸۹ / \_\_\_\_\_  
پوست \_\_\_\_\_

اداره کل تحصیلات تکمیلی

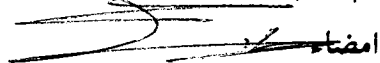
باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

  
سید احمد حسینی

اینجانب سید احمد حسینی متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف ( در هر زمان ) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .  
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو

  
امضاء

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فخر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸  
فاکس : ۶۴۹۷۳۱۴



دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه آموزشی روابط بین الملل  
گواهی دفاع از رساله دکتری

هیات داوران رساله دکتری : آقای سید احمد متولی

در رشته : روابط بین الملل : گرایش :

با عنوان : دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی انگلیسی

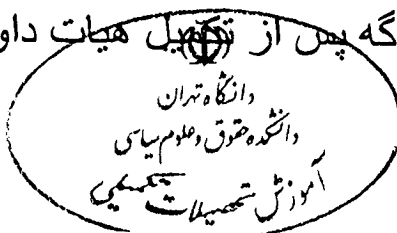
را در تاریخ : ۱۳۸۸/۱۲/۱۹ با درجه

ارزیابی نمود .

حوب

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما - استاد راهنمای دوم ( حسب مورد )	دکتر قاسم افتخاری	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر ناصر هادیان	استادیار	"	
۳	استاد مشاور دوم ( حسب مورد )	دکتر یوسف مولایی	استادیار	"	
۴	استاد مدعو خارجی	دکتر جلال دهقانی فیروزآبادی	استاد	دانشگاه علامه طباطبایی	
۵	استاد مدعو خارجی	دکتر امیر محمد حاجی یوسفی	دانشیار	دانشگاه شهید بهشتی	
۶	استاد مدعو داخلی	دکتر احمد نقیب زاده	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۷	استاد مدعو داخلی	دکتر سعید حسین سیف زاده	استاد	"	
۵	معاون یا نماینده معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده	دکتر احمد نقیب زاده	استاد	"	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد



## چکیده

از دهه های گذشته تاکنون دو کشوری که در راستای سیاست خارجی خود بیشترین استفاده و سود را از دیپلماسی عمومی برده اند، امریکا و انگلیس هستند. این دو کشور به شکلی ساختاری دیپلماسی عمومی را به خدمت گرفته اند و در این میان مدل بکار گرفته شده توسط انگلیس عملیاتی تر می باشد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی میلیونها نفر را قادر ساخت تا آزادانه به جریان اخبار و اطلاعات دست یافته و بتوانند تصمیم لازم را در خصوص آنچه به راستی بایستی باور داشته باشند اتخاذ نمایند.

بدنبال آن گسترش اینترنت، شبکه های تلویزیونی ماهواره ای و... اطلاعات ارزان قیمت زیادی را به افراد ارائه نمود و جهان بدین سان ناگهان با فروپاشی مرزهای اطلاعاتی مواجه گردید. حتی تجارت و بازرگانی از این رهگذر دستخوش تغییر گردیده و از حالت رسمی به شیوه های غیررسمی و شخصی مبدل گردید. با این تحولات، اداره امور خارجی و کشورهای مشترک المنافع (وزارت خارجه انگلیس) بر آن شد که زمان بهبود چهره خارجی بریتانیا در فراسوی دریاها فرا رسیده است و دیپلماسی عمومی (مردمی) به عنوان مناسب ترین ابزار و شیوه ای که بتواند منظور فوق را تأمین نماید، برگزیده شد. ج.ا.ایران به عنوان یکی از کشورهای اصلی مورد نظر انگلیس در راستای بکارگیری ابزار دیپلماسی عمومی از دیرباز مدنظر قرار گرفته و در دهه های اخیر این مسئله بسیار پررنگتر شده است. در این رساله تلاش می شود با بررسی عوامل متعدد دخیل در رویکردهای سیاست خارجی انگلیس نسبت به ج.ا.ا، میزان کارآمدی دیپلماسی عمومی انگلیس در نیل به اهداف سیاست خارجی آن کشور مورد ارزیابی قرار بگیرد.

.....	مقدمه	۵
.....	کلیاتی در باره سیاست خارجی	۴۰
.....	فصل نخست: تئوریهای سیاست خارجی و سیاست خارجی انگلیس	۴۰
.....	الف- آموزه های رئالیسم و تئورالیسم	۴۲
	۱- واقع گرایی در اصول سیاست خارجی انگلستان	
	۲- روند تصمیم گیری عقلانی در سیاست خارجی	
.....	ب- آموزه های لیبرالیسم و تئولیبالیسم	۴۸
.....	پ- آموزه های انتقادی و سازه انگاری	۵۵
.....	فصل دوم: رژیمهای حقوقی و سیاست خارجی	۵۷
.....	الف- اصل عدم مداخله	۵۸
.....	ب- مداخله بشر دوستانه و تعدیل اصل عدم مداخله	۶۰
.....	پ- تعارض اصل حاکمیت دولتها و مداخله بشر دوستانه	۶۷
.....	فصل سوم: دیپلماسی سنتی در سیاست خارجی انگلیس	۷۵
.....	الف- دیپلماسی رسمی	۷۷
.....	ب- دیپلماسی فرهنگی	۷۸
	۱- اهداف دیپلماسی فرهنگی	
	۲- دیپلماسی فرهنگی در صحنه بین الملل	
	۳- دیپلماسی فرهنگی در تاریخ ایران	
	۴- فرهنگ و رفتار سیاست خارجی	
.....	فصل چهارم: دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی انگلیس	۹۳
.....	۱- جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی دولت انگلیس	۹۴
.....	۲- دیپلماسی عمومی (مردمی)	۹۵
.....	۳- قدرت نرم	۹۶
.....	فصل پنجم: جهان گرایی و منطقه گرایی در سیاست خارجی انگلیس	۹۸

الف-اهداف جهانی و منطقه ای سیاست خارجی انگلیس.....	۱۰۰
ب- راهبردهای سیاست خارجی انگلیسی.....	۱۰۱
پ-اهداف منطقه ای سیاست خارجی انگلیس.....	۱۰۲
د- امریکاگرایی در سیاست خارجی انگلیس.....	۱۰۶
بهره نخست: کاربست دیپلماسی سنتی و پیشبرد سیاست خارجی انگلیس در ج.ا.ا.....	۱۱۶
فصل نخست: انقلاب در ایران و سیاست خارجی انگلیس در ایران.....	۱۱۷
الف-فراز و نشیب های سیاست خارجی انگلیس در ج.ا.ا.....	۱۱۸
ب-مسائل عمده در روابط ج.ا.ا.ایران و دولت انگلیس.....	۱۱۸
پ-مقایسه کاربست دیپلماسی فرهنگی امریکا و انگلیس در ج.ا.ا.ایران.....	۱۳۶
فصل دوم: دیپلماسی سنتی انگلیس در ج.ا.ا.....	۱۴۳
الف-آشنایی دیرینه انگلیس با ساختار اجتماعی ایران.....	۱۴۴
۱- فراماسونری در ایران.....	۱۴۵
۲- شناخت جامع انگلیس از جامعه ایران:.....	۱۵۷
۳- اشراف انگلیس در حوزه اجتماعی ایران.....	۱۶۷
فصل سوم: دیپلماسی سنتی: ارتباط با اقشار با نفوذ جامعه ایران و دستاوردهای آن.....	۱۷۰
الف-ارتباط با نهادهای دانشگاهی.....	۱۷۵
۱- گسترش همکاری و جذب گروه های ادبی و فرهنگی ایران:	
۲- همکاری با گروه های هنری ایرانی و تأکید بر نقش آنها در جامعه ایران	
۳- عوامل مؤثر در موفقیت دیپلماسی فرهنگی	
۴- تسلط انگلیس بر عناصر اصلی دیپلماسی فرهنگی در ایران	
پ-ارتباط با نهادهای دینی.....	۱۸۰
د-ارتباط با بازاریان	
نتیجه گیری:.....	۱۹۵
بهره دوم:	
دیپلماسی عمومی دولت انگلیس در ایران و کامیابی آن.....	۱۹۸

فصل نخست:

۲۰۶..... دیپلماسی عمومی ابزاری برای عملیات روانی

۲۱۲..... دیپلماسی عمومی و عملیات روانی (تقش رسانه ها)

۲۱۶..... دیپلماسی عمومی (قدرت نرم)

فصل دوم:

۲۲۴..... دیپلماسی عمومی و عملیات روانی در عصر اطلاعات

فصل سوم:

۲۴۳..... سایر عناصر موقییت دیپلماسی عمومی انگلیس و سیاست خارجی آن کشور

۲۴۳..... پایگاه دین

۲۴۴..... استفاده از نخبگان گروههای فرهنگی، علمی، رسانه ای و قومی

۲۴۶..... پایگاه سیاسی

۲۴۸..... نتیجه گیری نهایی



الف- (طرح پژوهش):

دیپلماسی عبارت است از هدایت روابط بین دولتها از طریق نمایندگان رسمی آنها؛ و به بیان کلی تر امروزه دیپلماسی عبارت است از هنر و مهارت پیشبرد و ارتقای منافع ملی از طریق مبادلات پایدار اطلاعات و ایجاد ارتباطات پایدار بین دولتها، ملتها، و افراد. براساس یک تعریف دیگر دیپلماسی به دو دسته سستی و عمومی تقسیم می شود.

دیپلماسی عمومی در فرهنگ واژگان روابط بین الملل که در سال ۱۹۸۵ توسط وزارت خارجه امریکا منتشر شده این چنین تعریف می شود: "دیپلماسی عمومی به برنامه های تحت حمایت دولت اشاره دارد که هدف از آنها اطلاع رسانی و یا تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی دیگر کشورها است. ابزار اصلی آن نیز انتشار متن، تصاویر، مبادلات فرهنگی، رسانه های عمومی و اینترنت است." دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی هر کشور به دو صورت محقق می شود: ۱- به مدیریت سازمانهای دیپلماتیک رسمی ۲- به صورت خودجوش و در راستای سیاستهای کلان کشور.

اصطلاح دیپلماسی عمومی در دهه ۱۹۶۰ و با هدف ارتباط حکومت امریکا با شهروندان سایر کشورها ابداع شد. دیپلماسی عمومی شامل برنامه های فرهنگی و آموزشی و تبادل شهروندان سایر کشورها و در چارچوب حمایتهای دولتی می باشد. دیپلماسی عمومی می تواند از طریق کانالهای رسمی و یا خصوصی و نیز توسط مؤسسات و یا افراد صورت می گیرد. بنا به نظر دکتر استیون لیوینگستون استاد ارتباطات سیاسی و رئیس مؤسسه دیپلماسی عمومی دانشگاه جرج واشنگتن فلسفه وجودی دیپلماسی عمومی مبتنی بر این

<sup>۱</sup> سی پلینو، جک، آلتون، روی، فرهنگ روابط بین الملل، ترجمه حسن پستا، (تهران، انتشارات فرهنگ معاصر؛ ۱۳۷۵)، صص ۲۲۵-۲۲۶.

واقعیت است که جایگاه یک ملت در افکار عمومی بر سطح روابط آن با سایر ملتها تأثیرگذار است.

هارولد نیکلسون دیپلمات وزارت خارجه انگلیس مقایسه ای تطبیقی از دیپلماسی قدیم و نوین ارائه می کند که بیانگر تغییرات امروزی دیپلماسی باشد. طبق نظرات نیکلسون مشخصات دیپلماسی در معنای سنتی آن عبارت بود از: پنهان کاری، غیردمکراتیک، روابط دوجانبه، عمل گرا، و وضعیتی که توسط عده کمی از دولتهای بزرگ اجرا و هدایت می شد. اما دیپلماسی نوین درست برعکس آن و با مشخصاتی چون آشکار بودن، دمکراتیک، چندجانبه، اصول گرا، و با مشارکت دول بسیاری از جمله دولتهای کوچک انجام می شود. دیپلماسی نوین در شکل عمومی آن اشاره به مردم دارد و نه دولتها و تاکتیکهای دیپلماسی بیشتر خطاب به مردم است تا دولتها.<sup>2</sup>

امروزه باید پذیرفت که نحوه هدایت سیاست خارجی کشورهای جهان دچار تغییرات شگرفی شده اند و اکنون قدرت جهانی یک کشور در توان و استعداد دیپلماسی عمومی آن در ایجاد هویت ملی و ارائه تصویر مکمل بین المللی آن نهفته است. دیپلماسی عمومی پدیده اتاقهای در بسته نیست. پدیده ای آشکار است. دیپلماسی رسانه ای یا سایبر دیپلماسی نیز یکی از زیرشاخه های دیپلماسی عمومی و در حقیقت نقش رسانه ها بر روند تأثیر گذاری بر افکار عمومی و هدایت سیاست خارجی است. در واقع این موضوع خود مهمترین چالش دستگاههای دیپلماسی و سیاست خارجی کشورها در جامعه شبکه ای امروز است که گسترش اطلاعات از طریق فناوریهای نوین ارتباطات و رسانه های نوین و روابط بین دولتها در عرصه منطقه ای، بین المللی و جهانی را که قبلاً توسط دیپلماتها انجام می شد را به روابطی چندجانبه تبدیل کرده است که در آن بیشترین تلاش دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی برقراری روابط با ملتها آن هم براساس دیپلماسی عمومی و از طریق رسانه ها و در فضای مجازی است. به طوری که کارکنان رسانه ها و بازیگران غیردولتی با نفوذ به افشاگری

<sup>2</sup> Lord Carter, "The Past and The Future of The Public Diplomacy", *Orbis*, 42(1), (Winter 1998). 49-51.

می پردازند و با انگیزه جلب افکار عمومی به دخالت در مسائل می پردازند. این روندها موجب شده که گفتگو و مذاکرات با مقامات برای سفیران و مجریان سیاست خارجی کشورها بسیار دشوار شده است. زیرا آنان باید با بازیگران زیاد و در عین حال گوناگونی تعامل نمایند. آن هم در شرایطی که شاهد تبدیل بازیگران فراوان به بازیگران محدودتر اما هشیارتر مانند سازمانهای غیردولتی از جمله خود رسانه ها هستیم که با برخورداری از توانایی اتخاذ روشهای سازمان یافته و جمعی، نظم دیپلماتها را در تمام جهان دستخوش تحول کرده اند.

از دهه های گذشته تاکنون دو کشوری که بیشترین استفاده و سود را از دیپلماسی عمومی برده اند کشورهای امریکا و انگلیس هستند. این دو کشور به شکلی ساختاری دیپلماسی عمومی را به خدمت گرفته اند و در این میان مدل بکار گرفته شده توسط انگلیس عملیاتی تر می باشد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی میلیونها نفر را قادر ساخت تا آزادانه به جریان اخبار و اطلاعات دست یافته و بتوانند تصمیم لازم را در خصوص آنچه به راستی بایستی باور داشته باشند اتخاذ نمایند. در همین اثنا انتقال نمابرها، تلفنهای همراه، اینترنت، شبکه های تلویزیونی ماهواره ای مقادیر زیادی اطلاعات ارزان قیمت را به افراد ارائه نمود و جهان بدین سان ناگهان با فروپاشی مرزهای اطلاعاتی مواجه گردید. حتی تجارت و بازرگانی از این رهگذر دستخوش تغییر گردیده و از حالت رسمی به شیوه های غیررسمی و شخصی مبدل گردید و به این منظور اداره امور خارجی و کشورهای مشترک المنافع (وزارت خارجه انگلیس) بر آن شد که زمان بهبود چهره خارجی بریتانیا در فراسوی دریاها فرارسیده است و دیپلماسی عمومی (مردمی) به عنوان مناسب ترین ابزار و شیوه ای که بتواند منظور فوق را تأمین نماید؛ برگزیده شد.<sup>۳</sup>

لازم به ذکر است که تلاشهای اطلاعاتی سنتی به عنوان شیوه های فرسوده و منفعل نگرسته نشد بلکه این پنداشت جدید معرفی شد که اغلب شیوه های کسب اطلاعات و

<sup>۳</sup> موسسه تحقیقات ابرار معاصر، روابط ایران و انگلستان، جمعی از نویسندگان، (تهران ۱۳۸۴)، ص ۶۸.

نفوذ اطلاعات کارایی لازم را جهت ارتقای معرفی بریتانیا در خارج از کشور از دست داده است. به این منظور وزارت خارجه انگلیس دیپلماسی عمومی را به عنوان هسته اصلی فعالیتهای خود برگزیده و استراتژی متمرکزی را طراحی نمود و بخش دیپلماسی عمومی (PDD) به عنوان مرکز مشترک نخبگان در شهر لندن با در اختیار گرفتن چهار اداره اصلی امور خارجی و کشورهای مشترک المنافع که در جهت ارتقای مناسبات خارجی فعالی می نمودند کار خود را آغاز کرد. این ادارات عبارتند از ادارات اخبار و اطلاعات، روابط پارلمانی و روابط فرهنگی که موظف به شکل دهی سیاستهای مورد نظر گردیدند. جهت هماهنگی طرح دیپلماسی عمومی در سطح ملی لازم بود تعریف جامعی از دیپلماسی عمومی به عمل آید تا بر مبنای آن طرح عملیاتی پیاده شود.<sup>۴</sup> بر این اساس تعریف ذیل ارائه گردید: "دیپلماسی عمومی (مردمی) آن بخش از دیپلماسی است که فراتر از سطح مناسبات دولت می باشد و هدف آن تأثیرگذاری بر ذهن سازان و تصمیم گیران اصلی دیگر جوامع از طریق انتقال پیامهای کلیدی در خصوص بریتانیا است."<sup>۵</sup> اما در نقش و اولویت دیپلماسی عمومی در سیاستگذاری خارجی برخی کشورها از جمله امریکا و انگلیس می توان به موارد عینی از نظرات سیاستمداران آن کشورها اشاره داشت که بر اهمیت و میزان تأثیرگذاری دیپلماسی عمومی تأکید داشته اند. لرد دیوید ترایزمن از معاونین وزارت خارجه و رئیس هیئت امنای دیپلماسی عمومی انگلیس طی یک سخنرانی بر جلب افکار عمومی از طریق دیپلماسی عمومی تأکید کرد و آن را از ساز و کارهای اصلی دولت جدید کشورش در سطح بین المللی ذکر کرد.

ترایزمن با اشاره به گزارش تفصیلی سال ۲۰۰۵ لرد "پاتریک کارتر" درباره ضرورت بازنگری در سیاست گذاری و کارکرد بلند مدت دیپلماسی عمومی انگلیس گفت: "باید در روشهای ریشه یابی مسایل، شیوه های سنتی نفوذ در اذهان عمومی بین المللی و آرایه چهره ای پویا، خلاق و پراستعداد از جامعه انگلیس در سطح جهانی تجدید نظر اساسی صور

<sup>۴</sup> . لرد دیوید ترایزمن، معاون وزارت خارجه انگلیس؛ سخنرانی رئیس هیئت دیپلماسی عمومی انگلیس؛ مدرسه علوم اقتصادی لندن، ۷ مارس ۲۰۰۷. [www.lse.edu/public\\_diplomacy/traisman...](http://www.lse.edu/public_diplomacy/traisman...)

<sup>۵</sup> . همان؛ ص ۸.

گیرد." به گفته معاون وزارت خارجه انگلیس، "نبرد با طالبان در افغانستان بیش از آن که یک مناقشه نظامی باشد، یک جنگ عقیدتی است و برای ایجاد افغانستان دموکراتیک، تلاش‌های سرویس پشتوی شبکه جهانی بی.بی.سی که مورد حمایت وزارت خارجه انگلیس قرار داشته، مهم بوده است".<sup>۶</sup>

سیاستمدار انگلیسی تأکید کرد که تنها از طریق دیپلماسی عمومی است که می‌توان کار در افغانستان را آسان کرد و شرایط را بر طالبان سخت کرده و بهشت امن آنان در افغانستان را برهم زد. وی همچنین فعالیت‌های بی.بی.سی اردو را در جهت مبارزه با تروریسم و تغییر دیدگاه افکار عمومی در پاکستان و افغانستان بسیار مهم و سازنده دانست. ترایزمن ادامه داد: در رویکرد جدید دیپلماسی عمومی انگلیس تلاش شده تا با رد عملی نظریه برخورد تمدن‌ها این تصور که انگلیس دشمن مسلمانان است از اذهان مسلمانان جهان زدوده شود. وی از مساله تغییرات زیست محیطی و جوی کره زمین به عنوان یکی دیگر از موارد همکاری‌های بین‌المللی یاد کرد که توانسته در تغییر دیدگاه جهانیان در خصوص انگلیس مؤثر واقع شود.

ترایزمن بار دیگر با تکیه بر اینکه در دیپلماسی عمومی تکیه بر دولت‌ها و سیاستمداران نیست، گروه‌های فشار، مؤسسات خیریه، مؤسسات خصوصی اقتصادی، سازمان‌های مدافع حقوق بشر، گروه‌های اجتماعی و مذهبی و رسانه‌های دیگر کشورها را از همکاران بالقوه انگلیس در زمینه دیپلماسی عمومی معرفی کرد. یکی از موارد بحث برانگیز در تعریف دیپلماسی عمومی هم‌ردیف کردن آن با زمینه‌هایی از قبیل جنگ اطلاعاتی و یا عملیات روانی است که معمولاً دوران جنگ نظامی را در برمی‌گیرد. برخی نویسندگان مدعی هستند که راهبردهای جنگ اطلاعاتی و یا عملیات روانی تأثیراتی سطحی داشته و در شرایطی مانند جنگ بهره‌وری دارند در حالیکه دیپلماسی عمومی بر لایه‌های بسیار عمیق‌تر تأثیرگذار بوده و نتایج بعضاً بلند مدت تر خواهد داشت.

<sup>۶</sup> همان، ص ۱۲.

عموماً زمانی که دیپلماسی عمومی در شکل سنتی آن که ارتباط با مراجع رسمی کشور هدف است با مشکل مواجه می شود، کشور مبدأ تلاش می کند تا راههای دیگری را برای نیل به اهداف منافع ملی خود بیابد. در هر حال هدف غایی کشور مبدأ دستیابی به اهداف منافع ملی خود است؛ که می تواند با استفاده از دیپلماسی عمومی در راستای تأثیرگذاری بر بخشهای مختلف جامعه کشور هدف در آن کشور فضا سازی، جریان سازی و تأثیرگذاری کند و آن را در بخشهای مختلف جامعه کشور مورد نظر خود شکل عملی و اجرایی به خود بگیرد. در این راستا ابزار دیپلماسی عمومی و ارتباط با ملت و مردم کشور هدف کاربرد تأثیرگذاری دارد.

مثلاً دیپلماسی عمومی از دیدگاه امریکایی همانا تزریق ارزشها و چارچوبهای فکری حاکم بر جامعه امریکا به شهروندان کشورهای دیگر است تا از این طریق و به صورت خودکار سیستم موجود در آن کشور متأثر و همراه با سیاستهای ایالات متحده گردد. در حالیکه دیپلماسی عمومی و کاربرد آن را از نگاه انگلیسی ها می توان به شکل ذیل خلاصه کرد که در کشورهای نظیر ایران که بنا بر دلائل مختلف دیپلماسی در شکل رسمی و سنتی آن (ارتباط با دولتها و دستگاههای رسمی کشور) پاسخگوی نیازها و اهداف سیاست خارجی انگلیس نیست؛ آن کشور تلاش می کند با استفاده از ابزار دیپلماسی عمومی و ارتباطات گسترده با مردم و سازمانهای مردم نهاد از یک سو خلأهای ناشی از عدم روابط رسمی را پوشاند و از سوی دیگر مجاری لازم را برای نیل به اهداف سیاست خارجی خود باز نگهدارد.<sup>۷</sup>

سابقه فعالیت انگلیس در ایران از گذشته های دور نشان می دهد که آن کشور تبحر خاصی در این حوزه داشته و حوزه فعالیت خود را پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران گسترش داده و حتی پس از کاهش سطح روابط دیپلماتیک با دولت های دوره های مختلف در ایران، دیپلماسی عمومی بسیار فعالی داشته که این امر نتایج مثبت و چشمگیری برای

<sup>۷</sup> مؤسسه ابرار معاصر؛ پیشین؛ ص ۲۴.

انگلیس در حوزه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی داشته است. در این پژوهش فراز و نشیب های بکارگیری دیپلماسی عمومی و میزان کارآمدی آن در مورد ایران را برای انگلیسی ها از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸ میلادی مورد بررسی قرار می دهیم.

داشتن اطلاعات و بکارگیری آن توسط دولتهای مختلف یکی از راههای توسعه کشورها است. به هر میزان که اطلاعات در زمینه های مختلف افزایش یابد به همان میزان بر توسعه و آبادانی افزوده می شود و هر ملت و دولتی که عزم و سربلندی، اقتدار و پیشرفت داشته باشد باید برای دستیابی به اطلاعات و بهره گیری از آن در سامان دادن زندگی برنامه ریزی و تلاش نماید. اطلاعات یکی از مهم ترین ابزارهای حفظ و توسعه قدرت سیاسی اقتصادی و فرهنگی هر جامعه است. رسانه های گروهی اعم از نوشتاری، رادیو و تلویزیون، تئاتر، ماهواره، اینترنت، و خبرگزاریهای تحت عنوان ناقل و انتقال دهنده اطلاعات و خواسته ها فعالیت می کنند.

رسانه های گروهی در شکل دادن افکار عمومی و اعمال فشار بر مواضع کشورها در اقصی نقاط جهان نقش مؤثر و تعیین کننده ای ایفا می نمایند. رسانه های گروهی غالب جهان در قبال رقبای خویش به صورت گزینشی با موضوعات و مسائل مختلف برخورد نموده و بر ابعاد جنجالی، احساسی و منفی جریانات تأکید می کنند. رسانه های گروهی غرب از جمله انگلیس به دلیل وابسته بودن به احزاب سیاسی، مراکز پول و قدرت و از همه مهمتر مجهز بودن به تخصص بالایی از علم تبلیغات در تحت فشار قرار دادن حکومتهای خود جهت اجرا نمودن برنامه های مورد نظر از هیچ کوششی کوتاهی نمی کنند. وزیر خارجه انگلیس در سخنرانی سالانه خود در سال ۲۰۰۶ میلادی بر نقش دو سازمان اصلی در دیپلماسی عمومی و راهبردهای سیاست خارجی انگلیس در خارج از کشور تأکید کرد که از سازمانهایی بنام شورای فرهنگی و آموزشی بریتانیا و شبکه جهانی بی بی سی نام برده و نقش آن را در اجرای سیاستهای دیپلماسی عمومی را بسیار اصلی و مهم برشمرد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> مجید، تفرشی؛ "بی بی سی در ایران بنفبال چیست؟"؛ مصاحبه با سایت بازتاب؛ ۲۶ دی ماه ۱۳۸۷.

برگزاری همایشهای مستمر برای اساتید، دانشجویان، فرهیختگان، سیاستمداران، دستگاہهای اجرایی و دولتی در کشور انگلیس از جمله اقدامات آن کشور در تأثیرگذاری بر افکار عمومی ایران بوده که از سالیان گذشته تاکنون در پیگیریهای سیاست خارجی انگلیس ادامه داشته است. سالیانه تعداد زیادی از نخبگان و تحصیل کردگان دانشگاههای برتر ایران جذب سازمانهای انگلیسی می شوند و افراد زیادی نیز برای ادامه تحصیل به آن کشور می روند که بسیاری از آنها دیگر تمایلی به بازگشت به کشور از خود نشان نمی دهند. طی سالهای اخیر بواسطه تبلیغات گسترده انگلیسی ها در حوزه های آموزشی و پژوهشی فرایند عزیمت افراد از ایران به انگلیس به نحو چشمگیری افزایش داشته است. در اینجا در مورد سابقه تأثیر رسانه های انگلیس در فرایند سیاستگذاری های خارجی آن کشور بر روند امور در ایران به ذکر همین نکته اشاره می شود که چندی قبل به مناسبت سالگرد کودتای ۲۸ مردادماه طی برنامه ای در شبکه چهار بی بی سی (در مورخ ۸۶/۶/۱) بر نقش این رسانه در موفقیت کودتا تأکید شد. بر اساس اسناد اسناد مطروحه توسط مصاحبه شوندگان، مدیران وقت بی بی سی از ابتدای جنبش ملی شدن نفت در ایران آگاهانه علیه دولت وقت ایران با مسئولین امنیتی و دولت انگلیس همکاری می کردند و یکی از اقدامات اصلی بی بی سی ارائه گزارشاتمی برای القای دیدگاههای دولت انگلیس بر مردم ایران بود که این خود حاکی از موفقیت و پیشبرد سیاست خارجی انگلیس در آن زمان است.<sup>۱</sup>

سالها است که رادیو بی بی سی دارای شنوندگان زیادی در ایران بوده و سایت اینترنتی فارسی آن از پربیننده ترین سایتهای شبکه جهانی است که پوشش کاملی از اخبار ایران را دارد و دائماً نظرات مخالف دولت ایران را منعکس می نماید؛ و اخبار و گزارشاتمی متعددی را در مورد موضوعات گوناگون در ایران منتشر می سازد. به واسطه همین مؤثر و کارآمد بودن بر افکار عمومی ایران است که تلویزیون فارسی بی بی سی نیز طی ماههای گذشته برای مخاطبین ایرانی آغاز بکار کرد. بودجه سرویس جهانی بی بی سی و بخش فرهنگی آن کشور هم چنان

<sup>۱</sup> نگاهی به نقش بی بی سی در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛ لندن؛ خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ (۸۶/۶/۱) برگرفته از برنامه "سند" کانال چهار بی بی سی.



از سوی وزارت خارجه آن کشور تأمین می شود. به عبارت دیگر انگلیس بر این نکته وقوف یافته که سیاست خارجی خود را در مورد ایران بیشتر حول ارتباطات غیررسمی و رسانه ای با اتباع ایران به پیش ببرد و مراوده با مقامات رسمی و دولتها در ایران را چندان پیگیری نکرده است

در عرصه بین المللی مؤثر و کارآمد بودن سیاست خارجی انگلیس توسط نهادهای خاص و مشخصی دنبال و رصد می شود. سازمان فرهنگی انگلیس (بریتیش کانسل) در بیش از یکصد کشور دنیا در راستای اهداف سیاست خارجی انگلیس در حال فعالیت است که در جای خود به عمق و گستره تأثیرگذاری آن در جهان و ایران اشاره خواهد شد. در نتیجه می توان پرسید که چه عواملی در این کامیابی سیاست خارجی انگلیس و دیپلماسی عمومی آن کشور در ج.ا. ایران دخیل بوده است؟<sup>۱۰</sup>

با توجه به مطالب فوق می توان ادعا کرد که کاربرت اصول دیپلماسی عمومی بوسیله انگلستان در ایران بویژه طی سنوات گذشته در پیشبرد سیاست خارجی آن کشور در ج.ا. ایران بسیار موفق بوده است.

#### ۱- بررسی ادبیات و نظرات موجود در مورد پژوهش:

در این بخش به برخی مطالعات که در مورد موفق بودن سیاست خارجی انگلیس و کارآمدی دیپلماسی عمومی و نقش آن در سیاست خارجی انگلیس برخی کشورها از جمله انگلیس و امریکا صورت پذیرفته و میزان و نوع بکارگیری آن توسط دولتهای مذکور اشاراتی می شود.

۱- دکتر حسام الدین آشنا طی مقاله ای<sup>۱۱</sup> در فصلنامه دانشگاه امام صادق به ارائه مدلی برای دیپلماسی عمومی و نقش آن در سیاست خارجی این دو کشور به طور خلاصه و اجمالی و توصیفی پرداخته است. در بخشی از این مقاله وی می گوید که سیاست خارجی از تحلیل

<sup>۱۰</sup> تقریباً؛ پیشین ص ۲۵.  
<sup>۱۱</sup> حسام الدین آشنا، "دیپلماسی عمومی"، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)؛ شماره ۲۱، (بهار ۱۳۸۲)، صص ۱۱-۱۵.

اقدامات یک دولت در قبال محیط خارجی و شرایط معمولاً مؤثر در تعیین اقدامات مذکور؛ و دیپلماسی عمومی مدیریت روابط کشورها با یکدیگر و میان کشورها و دیگر بازیگران بین المللی برگرفته شده است؛ که این بازیگران شامل گروهها، سازمانها، و افرادی هستند که در کنار دولتها دیپلماسی عمومی را به عنوان نظامی اطلاعاتی برای بیان و دفاع از منافع و اعلان تهدیدات و اولتیماتومها بکار می برند.

وی سپس به این نکته اشاره می کند که انگلیس طی سالیان گذشته در بسیاری از کشورهای خاورمیانه در مواقع بروز مشکلات با دولتهای منطقه، از دیپلماسی عمومی در راهبردهای سیاست خارجی خود به شکل موفقیت آمیز بهره برده است؛ به عبارت مشخص این نویسنده سیاست خارجی انگلیس را در منطقه و ایران موفق ارزیابی کرده است. اما وی به صورت مشخص و برجسته به بررسی نقش دیپلماسی عمومی انگلیس در ایران نپرداخته است. دکتر آشنا در جای دیگری از مقاله خود چنین می گوید: "۱۲" در مورد رابطه بین فرهنگها و سیاست خارجی و بهره گیری از دیپلماسی عمومی باید گفت فرهنگ همان چیزی است که هویت ملی از آن ریشه می گیرد و کشورها بنا بر درک خود در جایگاه قدرت جهانی نسبت به اقدامات دیپلماتیک فعال می شوند. " بنابراین فرهنگی ملی در دیپلماسی سیاسی بازتاب دارد چه از طریق دولتمردان که فرزندان آموزش و پرورش و همین فرهنگ هستند و چه زمانی که ابزارهای فرهنگی سیاست خارجی برای تأثیرگذاری بر دیپلماسی استفاده می شود.

این استاد دانشگاه پس از بیان مقدمات مذکور درمورد دیپلماسی عمومی می گوید: "دیپلماسی عمومی برنامه ریزی استراتژیک و اجرای برنامه های آموزشی توسط کشور مبدأ برای ایجاد محیط مناسب افکار عمومی در کشورهای هدف است تا این کشورها را قادر یا وادار به اقدام در جهت منافع کشورهای مبدأ نمایند." وی از این دیپلماسی به عنوان دیپلماسی مردمی نیز یاد می کند. دکتر آشنا می افزاید که این دیپلماسی محرمانه نبوده و آشکارا با هماهنگی و همکاری کشورهای هدف صورت می پذیرد. هدف این دیپلماسی تلاش

۱۲ همان، ص ۲۱.

برای رسیدن به منافع و امنیت ملی کشور مبدأ از طریق تأثیر گذاری بر مردم سایر کشورها از یک طرف؛ و گسترش گفتگو میان شهروندان و مؤسسات کشورهای مبدأ به همتایانشان در سایر کشورها از طرف دیگر است. اساس این دیپلماسی مردم کشور هدف است.

بنابراین باید در وزارت خارجه به مقامات عالی در مورد چگونگی افکار عمومی خارجی و جلوگیری از تصمیمات غلط مشاوره داده شود. این دیپلماسی آشکار بوده و مخاطب آن مردم کشورهای هدف هستند؛ در حالیکه دیپلماسی رسمی، پنهان و مخاطب آن تنها دولتها و دیپلماتها می باشند. همان طور که مشاهده می شود وی در پژوهش خود عمدتاً به ارائه تعاریفی از دیپلماسی عمومی پرداخته و به نقش آن در شکل گیری سیاست خارجی انگلیس اشاره ای نکرده است. توماس گرولینگ استاد دیپلماسی در فلچر طی بررسی خود در مورد دیپلماسی عمومی و نقش آن در سیاست خارجی امریکا به آنها نگاهی تاریخی دارد و می گوید که اصطلاح دیپلماسی عمومی برای اولین بار توسط ادmond گولون رئیس مدرسه حقوق و دیپلماسی فلچر در سال ۱۹۶۵ در دانشگاه تافت و همراه با تأسیس مرکز ادوارد مورو برای دیپلماسی عمومی بکار گرفته شده است. این مرکز در یکی از بررسی های خود دیپلماسی عمومی را تأثیر گذاری بر نگرشهای عمومی برای شکل دهی و اجرای سیاستهای خارجی و شامل ابعادی از روابط بین المللی می داند که فراتر از دیپلماسی سنتی است.<sup>۱۳</sup>

تأثیر بر افکار عمومی بوسیله دولت امریکا در کشورهای دیگر؛ تعامل گروههای خصوصی و منفعتی یک کشور با نظایریشان در کشورهای دیگر؛ گزارش مسائل خارجی و تأثیر آن بر سیاست خارجی، ارتباط بین فرهنگی، از جمله این ابعاد است. بر مبنای این دیدگاه در دیپلماسی عمومی محوریت با جریان فراملی اطلاعات و عقاید است. همان طور که مشخص است گرولینگ نیز به سابقه و تاریخچه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی امریکا می پردازد و نگاهی تاریخی و نه پژوهش علت و معلولی را دنبال کرده است و بیان دیگر شکل توصیفی و نه تبیینی از کار خود ارائه می کند.

<sup>13</sup> Grouling, Thomas. Speech in Fletcher School of Law and Diplomacy, 1997

۲- چارلز کیگلی استاد روابط بین الملل از امریکا، در بررسی سیاست خارجی امریکا و نقش دیپلماسی عمومی در آن ابزارهای نفوذ یک کشور بر کشور دیگر را به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم می کند. او دخالت آشکار نظامی را زیربخش نفوذ رسمی و کمک اقتصادی، کمک نظامی، دخالت پنهان اطلاعاتی و در نهایت نفوذ آشکار یا دیپلماسی عمومی را زیر بخش نفوذ غیر رسمی برشمرده است. کیگلی دیپلماسی عمومی را مؤدبانه تر برای تبلیغات و به معنای گسترش نظام مند اطلاعات به منظور تأثیرگذاری بر افکار عمومی بیان می کند.

وی ادامه می دهد که امروزه دیپلماسی عمومی رسماً به آموزش عالی راه پیدا کرده است. در امریکا یک مرکز اختصاصی به نام: "مرکز مورو برای مطالعات اطلاع رسانی و ارتباطات بین المللی" برای آموزش و پژوهش در باره دیپلماسی عمومی در دانشگاه تافت تأسیس شده است. برنامه ارتباطات بین المللی در مدرسه خدمات بین المللی در دانشگاه امریکن اولین برنامه امریکایی بود که فرهنگ را به عنوان جزء لاینفک روابط بین الملل مورد توجه قرار داد. در پژوهش کیگلی نیز مشاهده می شود که وی تنها مسئله دیپلماسی عمومی و نقش آن در امریکا در برخی کشورها را مطالعه کرده است و بیشتر بر جنبه های آموزشی تأکید کرده و در مورد دیپلماسی عمومی انگلیس مطلبی شایان توجه ارائه نکرده است.<sup>۱۴</sup>

۳- در انگلستان نیز انستیتوی ارتباطی وابسته به دانشگاه لیدز در سطح ارشد درسی بنام دیپلماسی عمومی، تبلیغات و عملیات روانی تدریس و نشریه ای به همین نام منتشر می گردد. یکی از صریح ترین اسناد در مورد شکل گیری اقدامات فرهنگی و ارتباطی در خدمت سیاست خارجی مربوط به کمیته مرکزی اطلاعات بریتانیا در اوایل ۱۹۵۰ است. در این سند چنین آمده است: "فراهم کردن اطلاعات برای انگلستان (در قالب دیپلماسی عمومی) به گونه ای که سیاستهای خارجی آن درک و پذیرفته شود، همواره بخشی از وظایف هیئتهای دیپلماتیک ما بوده است."

<sup>14</sup> Kegly W Charles, American Foreign Policy Pattern And Prozesse, (New York ST. Martin Press, 1991, pp.33).